

متن پیاده سازی شده جلسه دوم تفسیر قرآن کریم 4 آبان ماه 1401

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بنای تفسیر ما بر تفسیر ترتیبی و برای همین امر از سوره حمد شروع می کنیم البته اگر جایی بنا شد یک جا (موضوعی) صحبت شود، یک جا صحبت می کنیم. سوره هایی که مثل سوره حمد کوتاه باشند یک نمائی، از آن ارائه می دهیم. سوره هایی که طولانی هستند، ممکن است این کار در هر یک صفحه یک صفحه انجام دهیم. حُسن این کار این است که سوره تکه تکه نمی شود و سوره یک جا دیده می شود و اگر پیامی در سوره هست، پر رنگ می شود.

نمای سوره حمد

حدود 10 مبحث امروز بحث می شود و جامع این بحث ها نمایی از سوره هست. اولاً در اینکه سوره مکی است یا مدنی، اختلاف است. بعضی ها مانند قتاده گفته اند سوره مکی است و بعضی ها مثل مجاهد گفته اند سوره مدنی است. البته این دو نفر افرادی نیستند که قول شان حجت و سند باشد ولی در حدی که انسان اطلاع داشته باشد. ما به مکی و مدنی بودن کار نداریم البته اگر کسی به دنبال جمع آوری سوره های مکی باشد همراه با ثمره اش و به دنبال جمع آوری سوره های مدنی باشد همراه با اقتضائاتی که دارد، باید در مکی و مدنی بودن سوره ها کار کند ولی برای ما کار مهمی محسوب نمی شود. فیه اختلاف کونها مدنیاً أو مکياً.

با اینکه اول سوره نازل بر پیامبر، سوره حمد نیست ولی به دستور پیامبر اول قرآن قرار داده شده است و لذا یکی از اسامی معروف آن فاتحة الكتاب است. نکته ای که از این بحث می خواهیم استفاده کنیم این است که اگر بگوئیم این نام گذاری از زمان پیامبر اکرم بوده است، معلوم است که قرآن زمان خود پیامبر کتاب بوده و جمع آوری شده است و این در علوم قرآن بحث مهمی است که قرآن چه زمانی جمع آوری شده است، پیامبر با سوره ها چگونه رفتار کرده اند و بعد از پیامبر چه اتفاقاتی رخ داده است. خود فاتحة الكتاب اگر از زمان پیامبر بوده معلوم است که کتاب بوده و کتاب هم اقتضائاتی دارد. هیچ وقت فیش را کتاب نمی گویند؛ مجموعه فیش را هم مجازاً کتاب می گویند، حقیقاً کتاب نمی گویند. این در بحث علوم قرآنی اثر دارد که محور بحث ما نیست البته اگر زمانی پیش آمد که لازم شد این بحث را مطرح کنیم، رسیدگی می کنیم. این سوره تنها سوره ای است که دو بار نازل شده است لذا سَبْعُ الْمَثَانِي می گویند. یعنی چون هفت آیه دارد سبع است و دو بار نازل شده است مثنای است. اگر اهل جستجو باشید راجع وجه نام گذاری سوره حمد به سَبْعُ الْمَثَانِي حرف های دیگری هم زده شده است.

عظمت سوره حمد

1. این سوره در خود قرآن همتای قرآن به حساب آمده است. وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمِ . این القرآن العظيم ذکر عام بعد خاص است یعنی عدل قرآن قرار داده شده است.
2. این سوره پایه نماز قرار داده شده است. نمازی که خودش عمود دین است. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ . همچنین رسول اکرم می فرمایند: لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ . سوره حمد تنها سوره ای است که در شبانه روز باید 10 بار بخوانیم.
3. شریف ترین سوره، اساس قرآن و أم القرآن، جامع ترین حکمت الهی و ... سوره حمد است. بزرگانی از تفسیر که شاید بهتر از همه در این موارد جمع آوری تفسیر نمونه از بقیه بهتر است.

4. این سوره سوره عظیمی است و از نظر آثار، آثار زیادی بر خواندن سوره حمد مترتب شده است از جمله شیفا بودن سوره حمد لکل اسقام و امراض بودن است، چه مرض جسمی و چه مرض روحی. قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ نَالَتهُ عِلَّةً فَلْيَقْرَأْ فِي جَيْبِهِ الْحَمْدَ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَإِنَّ ذَهَبَتِ الْعِلَّةُ وَإِلَّا فَلْيَقْرَأْهَا سَبْعِينَ مَرَّةً وَأَنَا الضَّامِنُ لَهُ الْعَافِيَةَ. کسی که برسد او را مریضی (علیه) حمدی را در سینه اش یا در جیب - جیب در لغت فارسی همان جیب است - بخواند و اگر خوب شد که هیچ و الا هفتاد مرتبه بخواند و من برای او عافیت را ضمانت می کنم. البته با همه این ضمانت ها ممکن است مصلحت کسی نباشد و در روایات است که خداوند گاهی دعاها را به یک شکل دیگری اجابت می کند و خود طرف هم نمی داند و احساس می کند که اجابت نشد؛ ولی در حد اقتضا هم که فرض کنیم هفت مرتبه، نشد هفتاد مرتبه و امام می فرمایند من ضامن هستم. در این باره روایاتی داریم که عجیب و غریب است.

5. ثواب قرائت این آیات که از رسول خدا آمده است: أَيُّمَا مُسْلِمٍ قَرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ أُعْطِيَ مِنَ الْأَجْرِ كَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلثِي الْقُرْآنِ وَ أُعْطِيَ مِنَ الْأَجْرِ كَأَنَّمَا تَصَدَّقَ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ. اگر این سوره را بخواند، دو سوم قرآن را خوانده است. در مورد قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثَ قُرْآنٍ دَارِمٍ، در مورد إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ نصف قرآن داریم ولی به سوره حمد که می رسد می فرماید گویی دو سوم قرآن را خوانده است البته اینها از منظر ثواب است. کسی که سوره فاتحه را بخواند مانند این است که به هر مؤمن و مؤمنه ای صدقه داده است.

6. حالا در اینجا یک بحث کوتاهی را باز می کنیم. بحث اول این است که آیا منظور از این قرائت ها، صرف قرائت و تلاوت است یا قرائت و التزام و عمل به مفاد است؛ یعنی شرط عمل هم دارد یا ندارد؟ بحث دوم خود تصور این مطلب است، مثلا فرض کنید یک نفر قرآن نمی خواند و از این به بعد شروع به خواندن حمد کند و بگوید من با دوبار خواندن حمد، دو بار قرآن را خوانده ام.

این بحث فقط برای سوره حمد نیست، جاهای دیگری هم این بحث است. برخی از مفسران متأخر مانند مفسران تفسیر نمونه وقتی به این روایات می رسند می گویند معلوم است که منظور صرف قرائت و تلاوت نیست و لذا در بعضی از سوره ها قرأ و عَمِلَ است؛ این بحث خیلی مهم است. جاهایی که ثواب است مانند زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها روایت بسیار معتبری است که می گوید مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقُمْ، فَلَهُ الْجَنَّةُ که برخی در مورد این روایت گفته اند منظور روایت، صرف زیارت نیست. برخی از روایات مبین ثواب، مشکل دارند و ما به هر روایت مبین ثواب معتقد نیستیم. بعضی از این روایات مشکل محتوایی دارند ولی اگر یک چیزی قابل قبول بود دیگر با آن روایت سوبسید (پارانه) ندهیم. بلی مثلا انسان قرائت کند و ثواب هم ببرد ولی این ثواب از بین برود. بعضی ها تولیدشان خوب است ولی با گناه یا کارهای دیگری این عمل را به باد می دهند لذا آخر کار دست شان خالی است. خب اگر قرأ است، قرأ ترجمه شود و اگر قرأ و عمل دارد، قرأ و عمل ترجمه شود و از پیش خودمان چیزی را اضافه نکنیم. عرض شد که باید به مردم بگوئیم که مواظب باشید شیطان اعمال را از دست تان نبرد چرا که این کار خیری که انجام می دهیم ناله شیطان را در می آورد و برای همین شیطان به صاحب عمل می چسبد تا این کار خیر را از بین ببرد حالا یا با ریا، یا با منت یا با عجب و ... خلاصه از دست مان می گیرد. نکته دیگر خود حجم ثواب است. حجم ثواب اگر قابل التزام باشد ملتزم می شویم مثلا برای اهمیت سوره حمد خداوند یک همچین ثوابی را قرار دهد نه بنا است که از خزانه الهی چیزی کم شود و نه بنا است که خداوند از کسی چیزی بگیرد و بدهد، بلی برخی از موارد که پای مقایسه در کار است، بحث قدری سخت است که تأمل می کنیم مثلا گفته شود که اگر کسی فلان زیارت را بخواند مانند این است که با پیامبر در هفتاد جهاد شرکت کرده است، یا اینکه هزار سال در کنار کعبه نماز خوانده است، در اینگونه موارد مقایسه پیش می آید که قدری سخت است. شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان وقتی به همچین زیاراتی می رسد می گوید یعنی چه، چون زیارتی است که قبول ندارد (زیارت حُبّی) و همان مدل را که در بعضی از زیارات است می آورد ولی سکوت می کند که بنده خودم در گوشه مفاتیح ام نوشته ام فتأمل و واقعا جای تأمل دارد. از روایاتی که بنده با آن کنار نمی آیم روایتی است در باب نماز جماعت است. نماز جماعت عظمت دارد و بنده می گویم در صورتی که نمی توانیم در نماز جماعت شرکت کنیم حتی الامکان این جماعت را به خانه هایمان بکشیم و بنده خودم به این معتقد هستم. روایتی است که می گوید اگر عدد جماعت به ده نفر رسید، تمام درختان عالم قلم شود و تمام دریاها مرکب شود نمی توان ثواب یک رکعت این نماز جماعت را نوشت. خب اولاً نوشتن چگونه است، یعنی کلی هم نمی شود نوشت؛ باید دقت شود.

پس بحث اول این است که روایاتی که در عظمت تلاوت سوره ها است همان طور که هست معنا شود و به گفته امام معصوم نه اضافه کنیم و نه از گفته معصوم کم کنیم. اگر قرأ و عمل دارد، قرأ و عمل بگوئیم و قرأ دارد همان قرأ را بگوئیم و قرأ و عمل نگوئیم.

بحث دوم نفس ثواب ها است که باید دقت داشته باشیم.

خود رفتار با روایات یک بحثی است که باید بررسی شود چون خیلی از روایات مبین ثواب سوره ها سند ندارد و البته خیلی از روایات هم سند دارد و نباید در مورد این روایات هم بی مهوری شود.

سوال حضار: استاد این روایاتی که فرمودید گفته نشود درست ولی برای این ثواب هایی که هست یک توجیهی بفرمائید و هم چنین چیزی که به ذهن بنده می رسد راوی از امام سوال کرد که از رسول خدا رسیده که هر کسی ذره ای تکبر داشته باشد در قعر جهنم است که با این فرموده پیامبر تکلیف همه مشخص می شود که یا جهنمی هستند یا بهشتی. امام فرمودند منظور تکبر در برابر امام و ولی خدا است، یعنی به نحوی توجیه کردند. این روایات هم شاید نماز جماعتی است که با آن شرایط فکری عقیدتی عملی که انسان دارد پشت سر امام معصوم باشد چنین ثوابی را دارد.

پاسخ استاد: نکته اول اینکه انسان اگر بتواند نصی را توجیه کند توجیه می کند البته اگر معقول و قابل توجیه باشد. نکته دوم اینکه پیامبر یا امام معصوم توجیه می کنند، در این صورت نیازی به سوال از توجیه هم نیست ولی ما نمی توانیم باب توجیه را باز کنیم. یعنی همین طور اگر مطلق است قید بزیم اگر مقید نیست مقید کنیم مانند کاری که اصحاب تفسیر نمونه کردند. بهرحال ما باید بر اساس موازین جلو برویم. بعلاوه ما با برخی رفتارها کار داریم. شما فرمودید شاید منظور نماز جماعت پشت سر امام معصوم باشد که می گوئیم دلیل این توجیه چیست که این پرسش از دلیل، از پیامبر یا امام معصوم نمی شود ولی از شمای غیرمعصوم می شود سوال کرد. اصلا بعضی وقت ها به هر شکلی بخواهیم قابل توجیه نیست. مثلا همین نماز پشت سر امام بگویند ثوابی به اندازه عرش اعظم الهی دارد که نه قلم شدن درختان عالم را می خواهد و نه مرکب شدن دریاها را، اجمالا موارد فرق می کند. بنده برخی استفاده ها را نقد کردم نه برخی توجیه ها را. توجیه اگر دلیل داشته باشد وضعنا علی الرأس و العین ولی اگر نداشته باشد چه می شود.

7. نسبت بسم الله سوره با خود سوره: تنها سوره ای که به اتفاق شیعه و سنی، بسم الله جزئی از سوره است. اهل تسنن و برخی از عالمان شیعی در بقیه سوره ها بسم الله را جزئی از سوره نمی دانند و حالا یا جزئی از قرآن هم نمی دانند که کاش نمی گفتند، یا جزئی از قرآن می دانند ولی جزء سوره نمی دانند. ولی این سوره تنها سوره ای است که بسم الله هم جزئی از سوره است منتها در اینکه بلند گفته شود یا آرام گفته شود بحث هایی بین شیعه و سنی دارد. اما در اینکه جزء من السورة و آیه من السورة باشد، بسم الله همین سوره است و این برای نماز آیات مؤثر است. اگر کسی خواست برای نماز آیات یک سوره ای را پنج قسمت بکند، اگر بخواهد حمد را بخواند می تواند بسم الله حمد را بگوید و به رکوع برود و ادامه نماز، ولی در سایر سوره ها به بسم الله به عنوان یک قسم نمی توان اکتفا کرد زیرا خلاف احتیاط است.

سوالات حضار

سوال 1: در مورد جمع آوری قرآن کریم روایت داریم که نماز را با فاتحة الكتاب شروع کنید، از طرفی داریم که حضرت به محض اتمام کفن و دفن پیامبر اسلام فرمودند که لباس را از تنم در نمی آورم تا قرآن را جمع آوری کنم، از طرفی سیوطی آورده اند که قرآن در زمان ابوبکر جمع آوری شده است، از عایشه هم روایتی است که صفحاتی از قرآن را بُز خورد و بخاطر همین ابوبکر ترسید که قرآن از بین برود، قرآن را جمع آوری کرد. این روایات را چگونه توجیه می کنید؟

پاسخ استاد: در توجیه این روایات باید بگوئیم که قرآن را حضرت امیرعلیه السلام جمع آوری کردند و کار حضرت صرف جمع آوری قرآن نبود و نقل شما، نقل ناقص است. دارد که حضرت قرآن را با شأن نزول ها، اسباب نزول ها جمع آوری کردند و لذا آن قرآن از این قرآن بیشتر بود و توجیه می کنند که آنها مطالب جزئی از قرآن نبوده و حضرت سر و سامان داده اند. کسی که می خواهد توجیه کند می گوید حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سامان دادند. بعد هم شاید اینها نوشته شده ولی پراکنده بوده و هم چنین روی پوست نوشته می شد اما کتاب صدق می کرده چون در خود قرآن آمده ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ این ذلک الكتاب به اعتبار آینده نبوده و مجاز است.

سوال 2: این فرمایشی که داشتید برخی از آیات قرآن را هم در بر می گیرد. یعنی مثلاً آیه ای که در مورد فضیلت نماز شب است یا عقوباتی که قرآن می فرماید مانند ... مَثْوَى الظَّالِمِينَ یا ... مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ، حالا در بعضی آیات از قرائن قبل فهمیده می شود که متکبرین در برابر انبیاء منظور است ولی در بعضی از آیات اینگونه نیست.

پاسخ استاد: در پاسخ بخش اول سوال شما، تمام نعمت های بهشتی، حتی ساده ترین شان را هم نمی توانیم تصور کنیم. اینکه می گویند اگر یک حور العین به زمین بیاید، فلان می شود بهمان می شود حالت طبیعی کار است و جنس نعمات آخرتی را هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و این چیز عجیبی نیست. بخش دوم سوال شما، اشکال شما اشکالی بیش از هزارساله است و اوج اش خلود است. اگر برسیم مطرح خواهیم کرد و البته مطرح شده و جواب هایی داده شده است.

سوال 3: استاد خلود هم بر فرض برای متکبرین نباشد، همان جایگاه متکبرین جهنم باشد، خب جهنم با آن عظمت اش باید توجیه شود.

پاسخ استاد: کلا در قرآن وقتی تکبر گفته می شود منظور تکبر در برابر حق است، در مقابل خداوند است مانند تکبر ابلیس. حالا یک نفر تکبر ورزید خیلی بد است ولی این آن جهنم را نمی طلبد.

سوال 4: استاد این روایاتی که در فضیلت نماز جمعه است با شواهد و قرائن زیادی همراه هستند که منظور نماز جمعه ای است پشت سر پیامبر و امام معصوم باشد.

پاسخ استاد: اگر قرینه باشد اشکالی ندارد، منتها باز ما همان نماز پیامبر را هم کنار نمی گذاریم. مشکل بنده عدم تصور است. ثواب چگونه باید نوشته شود. خب ردوه الی الامام یک بابی است که اگر چیزی از ما شنیدید سبک سر نباشید که بلافاصله رد نکنید. اما سبک سر نبودن یک مطلب است و اینکه یک چیزی بگوئیم که نتوان دفاع کرد مطلب دیگری است.

ما باید این را در نظر بگیریم که آیا بشر همه چیز را می تواند بفهمد. اگر بگویند بلی عقل می تواند بفهمد در پاسخ می گوئیم عقل چیست؟ همین عقلی که آسان ترین چیز است کجاست؟ چگونه است؟ یا روح چیست؟ بعد می گوئیم باید قبول کنیم که ما برخی نکات را نمی توانیم دریابیم. حالا اگر ولی خدا یک قدرت فوق العادی ای داشته باشد شما با چه سندی آنرا رد می کنید؟ یا نباید به این موارد ورود کرد یا عالمانه پاسخ داد. مثلاً زندگی امام صادق علیه السلام معجزه است یا زندگی امام عسکری علیه السلام تماماً معجزه است. انسان باید به اینجا برسد که زندگی ائمه همگی معجزه است و باید اینها را تحلیل کرد.

سوال 5: استاد برای هفت تا حمدی که امام می فرمایند من ضامن هستم توجیه اش چگونه شد؟

پاسخ استاد: ممکن است اقتضا باشد ولی مانعی بیاید و اثر نکند یا اینکه مصلحتی باشد. حضرت نمی خواهند بگویند حتی اگر مصلحت اش نباشد. ممکن است طرف مریض باشد و مصلحت مریضی اش این باشد که شخص فوت کند. گاهی وقت ها اگر کسی باشد ممکن است گناهان بیشتری انجام دهد.

فایل pdf [کلیک کنید](#)